

زمینه و بسترهای فکری، ساختاری و کارگزاری ایجاد سازمان کمیته- های انقلاب اسلامی ایران^۱

زیبا عابدی^۲

عباس کشاورز شکری^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۷

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی زمینه‌ها و بسترهای فکری، ساختاری و کارگزاری سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی است. وقوع انقلاب‌ها همواره با پیدایش نهادها و سازمان‌های خودجوش و مردمی با ارزش‌های خاص انقلابی همراه است. یکی از سازمان‌های مهمی که پس از پیروزی انقلاب‌ها پدیدمی‌آید، سازمان‌های شبه‌نظامی و شبه‌پلیسی متشکل از انقلابیون و توده مردم است. کمیته‌های انقلاب اسلامی از اولین سازمان‌هایی بود که به‌ضرورت برای حل مسائل نظامی و امنیتی و تأمین امنیت، آسایش و رفاه مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد. با توجه به جایگاه سازمان‌های دفاعی و امنیتی در تداوم و رشد انقلاب و همچنین نقش آنها در نگرهبانی از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن، مطالعه آنها ضروری به‌نظرمی‌رسد. روش انجام تحقیق، کیفی و از نوع پژوهش تاریخی است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری و مصاحبه است. طبق یافته‌های پژوهش، زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک تشکیل سازمان کمیته‌های انقلاب، همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. در بررسی زمینه‌های ساختاری، ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی شد. از میان ساختارهای سیاسی، رهبری و شورای انقلاب در تشکیل کمیته‌های انقلاب نقش مهمی داشتند اما دولت موقت با ادامه کار کمیته‌ها مخالف بود. از میان ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مساجد و حسینیه‌ها در تشکیل و ادامه کار کمیته‌ها نقش مهمی ایفا کردند. در بررسی زمینه‌های کارگزاری این نتیجه حاصل شد که نخبگان سیاسی از جمله رهبران انقلاب و اعضای شورای انقلاب و روحانیون و توده‌های مردمی در تشکیل و سازماندهی کمیته‌ها نقش کلیدی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سازمان‌های انقلابی، کمیته‌های انقلاب اسلامی، زمینه‌های مختلف تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی در دانشگاه شاهد است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد.

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد. (نویسنده مسئول: keshavarz@shahed.ac.ir)

مقدمه

تمامی انقلاب‌های جهان در روزهای نخست پیروزی، نهادها و سازمان‌هایی تشکیل می‌دهند تا به پاسداری از اهداف انقلاب بپردازند؛ انقلاب اسلامی ایران نیز به‌رغم داشتن مشکلات گوناگون و دخالت گروه‌های مختلف فکری در مبارزات انقلابی و در نتیجه، سهم‌خواهی آنان از پیروزی انقلاب، از این قاعده مستثنی نبود و برای حفظ، قوام و تداوم خود، به سازمان‌هایی نیازمند بود تا از کید دشمنان در امان بماند.

انقلاب اسلامی به دنبال تمایل عمومی افراد جامعه به حاکم‌شدن ارزش‌هایی جدید که از اساس با ارزش‌های رژیم سابق مغایرت داشتند، پیروز شد؛ این پیروزی، باعث ایجاد تغییر در اهداف حکومت و سازمان‌های تابع آن شد و نیازهای این تغییر بنیادی موجب شد که اهداف و ارکان سازمان‌های موجود، دگرگون شوند و علاوه بر آن، سازمان‌هایی نوین نیز تشکیل شوند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۶: ۸). به‌طور کلی یکی از نهادها و سازمان‌های مهم که پس از پیروزی انقلاب‌ها پدید می‌آید، نهادها و سازمان‌های شبه‌نظامی و شبه‌پلیسی متشکل از انقلابیون و توده مردم است. از آنجاکه رژیم پیشین، بر نیروهای نظامی و پلیسی خویش، متکی بوده، آخرین سنگرهای دفاعی‌اش نیروهای مسلح است به‌طور طبیعی، نیروهای نظامی که مردم و انقلابیون به آنها اعتماد و اطمینان داشته‌باشند، روی کار می‌آیند؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز نهادهایی نوین و جدید مبتنی بر ارزش‌های والای اسلامی با روحیه عدالت‌طلبی تشکیل شدند (ترابی و رحمانی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

کمیته‌های انقلاب، یکی از سازمان‌های مهمی بود که بی‌درنگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد؛ این سازمان وظیفه‌داشت از امنیت و آسایش عمومی شهروندان، نگهداری و صیانت‌کند و با عناصر مخلف امنیت و ضدانقلاب در سراسر کشور به‌مقابله برخیزد (ترابی و رحمانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). توده‌های عظیم مردم به‌صورت خودجوش، درون مساجد محله‌های کشور، کمیته‌ها را تشکیل دادند. عدم آمادگی لازم از سوی نیروهای رسمی پلیس در آن زمان، یعنی شهربانی و ژاندارمری، باعث ضرورت تشکیل این سازمان شد؛ اقشاری مختلف که در تشکیل و حیات این سازمان مردمی، مؤثر بودند عبارت‌اند از: روحانیان متعهد، برخی از زندانیان سیاسی رژیم پیشین، استادان دانشگاه و دانشجویان، کارگران، کارمندان و تمامی افرادی که دلسوز انقلاب اسلامی بودند (ترابی و رحمانی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

از آنجاکه انقلاب اسلامی ایران، انقلابی اجتماعی بود، تمامی ساختارهای نظام به تغییر اساسی، دچار شد و افرادی انقلابی که پیش تر در زمینه فعالیت حکومت سابقه نداشتند، روی کار آمدند؛ در نتیجه، تمامی سازمان‌هایی جدید که شکل گرفتند، نوپا و تازه بودند و بر مبنای انقلاب و ارزش‌های آن و به منظور حفظ انقلاب و خدمت به مردم تشکیل شدند؛ بنابراین شایسته است که پژوهشگران حوزه تاریخ و انقلاب اسلامی، تاریخچه و نحوه تشکیل این سازمان‌ها و همچنین خدمات آنها را مستند و مکتوب سازند؛ در واقع در صورت عدم تحقیق و پژوهش در خصوص سازمان‌های انقلابی، ممکن است تاریخچه و نحوه شکل‌گیری آنها مبهم باقی‌بماند و نسل‌های آینده از واقعیت انقلاب اسلامی و سازمان‌های انقلابی بی‌خبر بمانند؛ همچنین ممکن است افراد و سازمان‌های سودجو، تاریخ‌سازی غیر واقعی انجام دهند و حقیقت انقلاب را پنهان کنند که این موارد از جمله تبعات منفی عدم توجه به انقلاب و سازمان‌های انقلابی است. متأسفانه تا به حال تحقیق‌هایی کامل درباره نحوه شکل‌گیری سازمان‌های انقلابی انجام نشده است و به همین دلیل، نویسنده بر آن شد که در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش یکی از این سازمان‌ها پژوهش‌هایی را به عمل آورد.

با توجه به این مطالب، مسئله تحقیق آن است که زمینه‌های فکری، ساختاری و کارگزار تشکیل

کمیته های انقلاب اسلامی چیست؟

الف - مبانی نظری

۱- زمینه و بسترهای فکری و ایدئولوژیک

هیچ نظام سیاسی، بدون داشتن پشتوانه‌ای نظری دوام ندارد و از آنجاکه هر انقلابی در پی تخریب نظام سیاسی مستقر و ایجاد یک نظام سیاسی دیگر است، به‌ناچار باید برای نظام مطلوب آینده خود پشتوانه‌ای فکری و نظری داشته باشد، در غیر این صورت، نظام پس از انقلاب، موفق نخواهد بود؛ به همین ترتیب برای تشکیل سازمان‌ها و نهادها در نظام جدید، باید نوعی مبانی فکری و ایدئولوژیک وجود داشته باشد.

نهاد یا سازمان انقلابی، مجموعه‌ای انتزاعی از ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادهای سازمان‌یافته است که برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن پدیدمی‌آید. بدیهی است که ارزش‌ها و اعتقادهای نهادها و سازمان‌های انقلابی، نشأت گرفته از ارزش‌های انقلاب و به‌طور کلی، ایدئولوژی انقلاب و انقلابیون است؛ همچنین اینکه سازمان‌های انقلابی زیر نظر رهبر انقلاب تشکیل می‌شوند و افراد تشکیل‌دهنده

آنها نیز همان کسانی هستند که در پیروزی انقلاب، بسیار نقش داشته‌اند؛ از این رو می‌توان نتیجه‌گرفت زمینه‌های فکری تشکیل سازمان‌های انقلابی، همان زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک انقلاب هستند که به‌طور معمول، رهبر انقلاب آنها را تشریح می‌کند.

۲- زمینه و بسترهای ساختاری

به‌طور کلی، انقلاب‌ها به انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی تقسیم می‌شوند؛ در انقلاب سیاسی، حداکثر، نوع نظام سیاسی تغییر می‌کند؛ هدف انقلابیون در این انقلاب‌ها، گاه تنها این است که حاکمان را تغییر دهند و گاه در میزان قدرت ساخت‌ها تغییری ایجاد کنند یا مقامی را در حکومت ایجاد یا لغو کنند؛ اما در انقلاب‌های اجتماعی، علاوه بر تغییر در حکومت، تغییرهایی اساسی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز روی می‌دهند (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۲۵۸)؛ از این رو در انقلاب‌های اجتماعی، انقلاب با پیروزی بر رژیم حاکم پایان نمی‌یابد و در این شرایط، دغدغه‌ی انقلابیون، ایجاد نوعی حکومت و درحقیقت اجرای آرمان‌های انقلابی خویش است؛ آنها برای این منظور به ایجاد سازمان‌های انقلابی دست می‌زنند. بدیهی است که ساختارهای جدید به‌وجود آمده در ایجاد این سازمان‌ها بسیار نقش دارند و در واقع، ساختارها می‌توانند با ایجاد سازمان‌ها، مخالف یا موافق باشند.

۳- زمینه و بسترهای کارگزاری

پیچیدگی‌هایی بسیار در جوامع امروزی نسبت به گذشته به‌وجود آمده‌است؛ به همین نسبت، فرایند تصمیم‌گیری در این جوامع نیز، پیچیده شده‌است. در گذشته عوامل مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری، بسیار محدود بودند بنابراین، نقش اساسی این عوامل و ارزیابی نقش و میزان تأثیر آنها به‌آسانی امکان‌پذیر می‌نمود اما در جوامع پیچیده امروزی، این عوامل چنان درهم تنیده‌اند که پی‌بردن به نقش و میزان تأثیرگذاری آنها دشوار شده، همچنین شناسایی و تفکیک آنها نیز به‌صراحت، مقدور نیست (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

محققان این حوزه در پاسخ به این پرسش که «چه عواملی و به چه میزانی در تصمیم‌گیری دخیل هستند؟»، مدل‌هایی گوناگون عرضه کرده‌اند اما این مدل‌ها قابل‌تعمیم به هر جامعه‌ای نیستند و همچنین، برای توضیح و تبیین همه عوامل مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری در موارد مختلف قدرت‌ندارند. محققان در بررسی فرایند تصمیم‌گیری، به روش چندمتغیری توجه کرده‌اند. یکی از عواملی که درباره آن، به‌عنوان عامل و متغیر تأثیرگذار در فرایند تصمیم‌گیری مطالعه می‌شود، موضوع

نخبگان است.

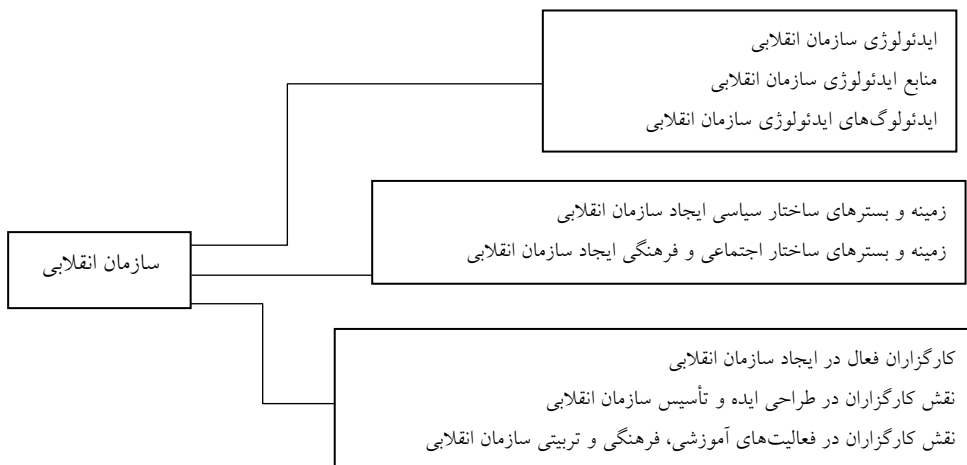
درباره نقش نخبگان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، دیدگاه‌هایی بسیار وجود دارند؛ یکی از این دیدگاه‌ها نخبگان را نه صاحب نقش انحصاری و دارای اراده‌ای مطلق در تصمیم‌گیری و نه آنکه بی‌اختیار و تابع شرایط محیطی دانسته بلکه آنان را عاملی مؤثر در کنار دیگر عوامل تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دانسته است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۵۹ و ۱۶۰).

در این پژوهش با تأکید بر این دیدگاه، نقش و جایگاه نخبگان به‌عنوان عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری بررسی شده است. لازم است، یادآوری شود که در این پژوهش از لفظ کارگزار به‌جای نخبه استفاده شده است. «کارگزار»، کسی است که کنشی را انجام می‌دهد. «کنش»، تمام روابط انسانی‌ای را دربرمی‌گیرد که کنش‌گران، معنایی ذهنی برای آن روابط، قائل می‌شوند (Weber, 1947:8). در این مقاله، منظور از کارگزاران، نخبگان سیاسی و به‌طورکلی افرادی است که درزمینه‌های مختلف شکل‌گیری سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی، نقشی ایفا کرده‌اند.

۴- مدل نظری پژوهش

با توجه به مطالبی در که در بخش پیشین آورده شد، می‌توان گفت: به‌طورکلی، سه عامل در شکل‌گیری یک سازمان انقلابی دخیل‌اند که عبارت‌اند از: ایدئولوژی، زمینه‌های ساختاری و کارگزاران.

نمودار ۱: مدل نظری زمینه‌های فکری، ساختاری و کارگزاری سازمان انقلابی



منبع: نگارندگان

ب- روش‌شناسی

تحقیق حاضر براساس هدف، «بنیادی» و براساس ماهیت و روش، «کیفی» و از نوع پژوهش تاریخی است؛ به دلیل مصاحبه با یکی از اعضای فعال سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی از روش پیمایش نیز استفاده شده است؛ برای انجام این پژوهش، دو ابزار فیش‌برداری به صورت عمده و مصاحبه به کار گرفته شده‌اند. ابتدا کتاب، مقاله، پایان‌نامه، خاطرات، سایت‌های الکترونیکی و اسناد مربوط مطالعه شده و با استفاده از ابزار فیش‌برداری، داده‌های تحقیق گردآوری شده‌اند. در بخش‌هایی از تحقیق که اطلاعاتی موجود نبوده، از ابزار مصاحبه استفاده شده است. جامعه تحقیق، بر جامعه متنی و جامعه مورد مصاحبه، مشتمل است. جامعه متنی، «اسناد، کتب، مقالات و ...» را دربر گرفته. برای جامعه مورد مصاحبه با یکی از اعضای فعال کمیته‌های انقلاب اسلامی، مصاحبه انجام گرفته است.

ج- یافته‌های تحقیق

۱- زمینه و بسترهای فکری و ایدئولوژیک ایجاد سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی

۱-۱- ایدئولوژی سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی

هر انقلابی، خود موجد فکرهای نو، طرح‌های (ایده‌های) تازه، فرهنگ انقلابی و نهادها و سازمان‌های جدید و انقلابی است. آنچه انقلاب را غنای بخشد و در تحقق آرمان‌هایش استوار و کوشا به صحنه عمل وارد می‌کند، همین مجموعه فکرها، نهادها و سازمان‌ها هستند؛ هرچه حضور این مجموعه در میدان انقلاب، قوی‌تر و بیشتر باشد، انقلاب با قدرت بیشتر و مطمئن‌تر از راهی که درپیش گرفته، به سوی ساختن آینده‌ای مطلوب خواهد تاخت؛ اگر انقلابی بتواند تمامی تشکیلات حکومتی خود را مبتنی بر همین فکرها، نهادها و سازمان‌ها بنا کند، انحراف از مسیر اصلی، غیرممکن می‌شود و هرچه بیشتر به تشکیلات رژیم سرنگون شده اتکاد داشته باشد، احتمال انحراف، بیشتر خواهد بود (رحیمی، ۱۳۶۱: ۵۹).

در انقلاب اسلامی ایران، سازمان‌های انقلابی، زاینده انقلاب هستند. نیازها، بحران‌ها، کمبودها، ضرورت‌ها و به‌خصوص مسئولیت‌ها و رسالت‌های افراد مؤمن درخصوص اسلام و انقلاب اسلامی، نهادها و سازمان‌ها را به دست توانای آنها ایجاد کرده است؛ از این رو، مشابهت و سنخیتی تام و تمام میان انقلاب اسلامی و نهاد و سازمان انقلابی وجود دارد که آنها را به‌طور عمیق به یکدیگر

پیوندمی دهد (رحیمی، ۱۳۶۱: ۵۹)؛ در نتیجه می توان گفت که فکر و ایدئولوژی تشکیل نهاد و سازمان انقلابی، بر ایدئولوژی انقلاب اسلامی، منطبق است و با آن منافاتی ندارد. ایدئولوژی تشکیل سازمان کمیته های انقلاب اسلامی در راستای ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود. یوسف ترابی از نیروهای فعال کمیته های انقلاب اسلامی درباره ایدئولوژی تشکیل سازمان کمیته های انقلاب، معتقد است، ایدئولوژی مکتب تشیع و اسلام ناب محمدی (ص) که همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، ایدئولوژی تشکیل کمیته ها بود (یوسف ترابی، مصاحبه در خصوص کمیته های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۳).

۲-۱- منابع ایدئولوژی سازمان کمیته های انقلاب اسلامی

در قسمت پیشین بیان شد که ایدئولوژی سازمان کمیته ها همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. در نتیجه برای بررسی منابع ایدئولوژی این سازمان، منابع ایدئولوژی انقلاب اسلامی مطالعه می شوند. به طور کلی یک نهضت عمیق فکری و اجتماعی از ذخایر معنوی و فرهنگی خود تغذیه می کند و واضح است که اسلام از این جهت، بی نهایت قوی و غنی است. اسلام به عنوان مجموعه عناصری که فرهنگ و ایمان نام دارد، بسیار غنی است؛ همچنین، عناصر سازنده انقلابی و پیکارجویی که ایدئولوژی اسلام و تاریخ اسلام را شکل داده اند، به طور کامل به آن حالت استثنایی می دهند و آن را از همه فرهنگ ها و مذاهب های دیگر تاریخ ممتاز می کنند (شریعتی، ۱۳۶۱: ۲۳۴).

پیش از وقوع انقلاب ایران، دین اسلام، نوعی ایدئولوژی مذهبی محسوب می شد؛ اما انقلاب ایران توانست جنبه های بالقوه سیاسی آن را به فعلیت درآورد؛ همچنین، تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که می تواند یکی از انقلاب های بزرگ تاریخ را رقم بزند. اسلام شیعی، دربردارنده مجموعه ای عظیم از طرح ها و نگرش های اعتقادی است؛ از این رو توانایی دارد، نوعی ایدئولوژی اسلامی را برای تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال حقیقی ارائه دهد که این سعادت و کمال، به طور صرف، اهداف دنیوی و مادی گروه یا قشری خاص را دربر نمی گیرد، بلکه مبتنی بر اهداف دنیوی و دینی تمام جامعه بشری است.

برای شناخت مبانی فکری و ایدئولوژیک انقلاب ایران، لازم است اعتقادات، باورها، ارزش ها و عناصر ایدئولوژی مذهب تشیع مطالعه شوند؛ مبانی این اعتقادات، باورها و ارزش ها، مجموعه آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصوم (ع) است که امام خمینی (ره) و دیگر ایدئولوگ های انقلاب، از جمله

شهید مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی، آنها را تبیین و تشریح کرده‌اند. واضح است که افکار و اندیشه‌های امام (ره) به‌عنوان ایدئولوگ اصلی انقلاب اسلامی، در بعثت پیامبر(ص)، تفکر ناب امام علی (ع) و فرزندان آن حضرت به‌ویژه امام حسین (ع) ریشه‌داشته، با فطرت انسان‌های مظلوم و خداخواه همخوانی دارد.

در قرآن کریم، آیات مربوط به قیام ضد ظلم برای ایجاد عدالت و احیای حقوق مظلومان، ایشان، شهادت‌طلبی و جهاد در راه خداوند، فراوان دیده‌می‌شود؛ در واقع، ترویج و تفسیر همین آیات بود که زمینه بروز نوعی ایدئولوژی اسلامی را در زمان انقلاب فراهم آورد؛ چنان‌که امام خمینی (ره)، شهید مطهری و دکتر شریعتی با بهره‌گیری از همین آیات و روایات و حوادث تاریخی اسلام مانند عاشورا، غدیر و...، مبنای ایدئولوژی انقلاب اسلامی را پایه‌ریزی کردند.

۱-۳- ایدئولوگ‌های انقلاب اسلامی

شکل‌گیری اندیشه انقلابی و پرورش تفکر اسلامی، محصول تلاش متفکران و اندیشمندان بود که با توجه به دارا بودن ویژگی‌های خاص، مورد توجه و اقبال عموم مردم جامعه قرار گرفتند؛ در واقع می‌توان گفت که این اندیشمندان، ایدئولوژی‌پردازان انقلاب اسلامی بودند که توانستند طرحی فراگیر و همگانی ارائه‌دهند، مردم را ضد رژیم حاکم بسیج‌کنند و سرانجام، ایده (طرح) خود درخصوص نوع حکومت و نظام را به‌فعلیت برسانند. اغلب پژوهشگران حوزه انقلاب اسلامی، ایده حکومت اسلامی را به امام خمینی (ره) و نظریه ولایت فقیه ایشان منتسب می‌دانند، اما نقش افرادی دیگر را که در ترویج و گسترش این ایده نقش داشتند، نباید فراموش کرد؛ کسانی مانند مرتضی مطهری و علی شریعتی که با فعالیت‌های خود در مراکز علمی و مذهبی توانستند خیلی عظیم از مردم را با انقلاب اسلامی همراه کنند.

غلبه سیاست در اندیشه‌های مذهبی امام خمینی (ره)، او را از سایر رهبران دینی در دوران گذشته و معاصر متفاوت می‌سازد. ایدئولوژی امام (ره)، ایدئولوژی‌ای بود که توانست افکار و اذهان بسیاری از مسلمانان خارج از ایران را نیز به خود جلب کند؛ ایشان تفسیری انقلابی و ظلم‌ستیز از مذهب تشیع، ارائه‌داده، در روند ایدئولوژیک شدن شیعه، نقشی حائز اهمیت ایفا کردند. در سال‌های نزدیک به انقلاب، تعداد مقلدان امام (ره) روزبه‌روز بیشتر می‌شدند؛ در واقع ایشان برای مردمی که تشنه عدالت و آزادی بودند، سمبل حرکت و انقلاب و سیاست و ربط آنها با دین بود (اخوان مفرد، ۱۳۸: ۵۱).

مرتضی مطهری را می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از ایدئولوگ‌های انقلاب اسلامی نام‌برد؛ او متفکری دینی بود که اعتقادداشت، اسلام، مکتبی است که می‌تواند مسلمانان را از این وضع انحطاطی نجات‌دهد؛ به شرطی که به تعالیم اولیه اسلام برگردیم و دوباره آنها را احیا کنیم. شهید مطهری، تفسیری تازه از حکومت اسلامی، دموکراسی و رهبری ارائه‌داد؛ در واقع او خواهان استقلال و جدایی از افکار غرب بود. شهید مطهری از غرب انتقادی کرد و به دلیل استعماری‌بودن و جنبه‌های مادی و مصرفی تمدن غرب، آن را یکی از موانع اصلی رشد و توسعه کشور می‌دانست (مجتبی‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

پس از شخصیت امام خمینی (ره)، علی شریعتی را باید در زمره یکی از نیروهای انقلاب به‌شمار آورد. اصلی مهم در وقوع همه انقلاب‌های اجتماعی وجود دارد و آن، نقش آگاهی در تولد انقلاب‌هاست؛ به‌بیان‌دیگر، دوره ارشاد، مانند سکوی پرتابی است که نسل جوان را به‌سوی اسلام و انقلابی‌گری سوق می‌دهد؛ همچنین به‌عنوان ظرف ذهنی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید که طی آن، مفاهیم ایدئولوژیکی و حرکت‌زای انقلاب احیامی شود. دوره ارشاد در انقلاب ایران را شریعتی، عهده‌دار شد (حسین‌زاده، ۱۳۷۴: ۸۹).

شریعتی تلاش کرد، مردم را از پایگاه اسلام انقلابی و نه اسلام سنتی، برای مقابله با رژیم مجهز کند. او با شفاف‌کردن روحانیت و برطرف‌کردن بدبینی‌هایی که روحانیان و روشن‌فکران، نسبت به هم داشتند، موجب آشتی میان این دو گروه شد (حسین‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۲۳)؛ او تشیع را نماینده روح تعالیم اسلام و همه صفاتی می‌دانست که در قرآن به «حزب‌الله» نسبت داده شده است. دکتر شریعتی با تکیه بر آیات قرآنی و نهج‌البلاغه و استفاده از شخصیت‌های مورد احترام، مانند حضرت علی (ع)، حضرت زینب (س) و ابوذر با بینشی تأویلی بر ایدئولوژیک‌کردن مباحث تأکید کرده، ایدئولوژی را موتور محرک دین معرفی کرد (شریعتی، ۱۳۷۲: ۱۸۹).

۲- زمینه و بسترهای ساختاری ایجاد سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی

۲-۱- ساختار سیاسی

منظور از ساختار سیاسی، نهادهای سیاسی از قبیل «احزاب، قوای مقننه، مجریه، تشکیلات اداری و...» هستند. در این قسمت، نقش و واکنش ساختارهای سیاسی کشور از جمله نهاد رهبری، شورای انقلاب، دولت موقت و... در به‌وجودآمدن سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی بررسی می‌شود.

۲-۱-۱- نهاد رهبری

اولین نهادی که در روند مبارزات ملت مسلمان ایران شکل گرفت، نهاد رهبری بود که از اوایل دهه چهل در شخصیت عالم دینی و مبارزی همچون امام خمینی (ره) متجلی شد. امام خمینی (ره) در طول نهضت، همواره برای حفظ و نگهداری دستاوردهای مبارزات دوران گذشته دغدغه‌داشتند و نسبت به آن، مرتب گزارش می‌دادند و توصیه می‌کردند که زحمات و تلاش‌های انجام‌شده باید به هر نحو ممکن حفظ شوند؛ ایشان پس از پیروزی انقلاب نیز همین نظر را داشتند و به همین دلیل برای حفظ زحمات و مشقّات مردم در جهت پیروزی انقلاب و دستاوردهای آن، فرمان تشکیل نهادهایی بسیار از جمله کمیته‌های انقلاب اسلامی را صادر کرده، در طول دوران رهبری خود، همیشه از آن حمایت کردند.

امام خمینی (ره) در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ و تنها یک روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طی فرمانی شش‌ماده‌ای، تکلیف شرعی و تعهد ملی مردم و نیز شرایط خلع سلاح عمومی را روشن کردند؛ پیرو این فرمان، مردم معتقد و مسلمان به مساجد هجوم آورده، به‌طور خودجوش برای حفظ دستاوردها و تداوم انقلاب از هیچ کوششی دریغ نکردند؛ در همین ایام بود که با ابتکار مردم مبارز و روحانیت در صحنه، در مساجد و اماکن دولتی مجموعه‌هایی با عنوان کمیته‌های انقلاب ایجاد شد و تمامی امور را در اختیار گرفت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳: ۵۵).

۲-۱-۲- شورای انقلاب

شورای انقلاب چنان‌که از نامش برمی‌آید، به اقتضای شرایط انقلاب و با کارویژه‌ها و اهدافی مناسب همین مسائل تشکیل شد؛ اعضای این نهاد انقلابی، اغلب از ایدئولوژی‌پردازان انقلاب بودند و پس از پیروزی نیز برای کشور برنامه‌هایی داشتند. شهید مطهری که عضو شورای انقلاب بود، طرح اولیه ایجاد کمیته‌های انقلاب را مطرح کرد؛ همچنین در انتخاب فرمانده کمیته به پیشنهاد ایشان عمل شد. به‌طور کلی می‌توان گفت که نهاد شورای انقلاب در ایجاد کمیته‌های انقلاب اسلامی نقشی نداشته‌است اما برخی اعضای آن در ایجاد و سازمان‌دهی کمیته نقشی بسزا ایفا کرده و به‌عنوان منبع فکری این سازمان عمل کرده‌اند.

کمیته‌های انقلاب اسلامی، ریشه‌اش در کمیته استقبال از امام خمینی (ره) بود؛ این کمیته پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برای استقبال از ورود امام (ره) تشکیل شده بود (یوسف ترابی، مصاحبه

درخصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲). کمیته استقبال از امام (ره) دراصل، بخشی از مجموعه نهادهای شورای انقلاب محسوب می‌شد و در نتیجه نمی‌توان نقش شورای انقلاب را در ایجاد سازمان کمیته‌های انقلاب نادیده گرفت.

۲-۱-۳- دولت موقت

دولت موقت، اولین دولت پس از انقلاب اسلامی است؛ با آنکه قرار بود این دولت در انحصار گروهی خاص نباشد، به‌عکس از عناصری سیاسی و ملی تشکیل شده بود که در برابر جریان ضدانقلاب، نرمش نشان می‌داد و در برابر نهادهای برآمده از انقلاب، موضع مخالفت می‌گرفت؛ این موضع‌گیری، زمانی اهمیت خود را نشان داد که نهادهای انقلابی، از نظر چارت سازمانی و تشکیلاتی با دولت موقت، هیچ ارتباطی نداشتند و به‌طورمستقیم از رهبر و سران انقلاب دستوری گرفتند و این موضوع برای دولت موقت که خود را متولی کشور و انقلاب می‌دانست، قابل قبول نبود.

یوسف ترابی، معتقد است که دولت موقت و در رأس آن، مهندس بازرگان، ابتدا نظری مخالف درخصوص کمیته‌های انقلاب نداشتند؛ زیرا شهربانی و ژاندارمری نیمه‌متلاشی شده بودند و روحیه‌ای نداشتند که امنیت جامعه را تأمین کنند و از طرفی، پاسداران کمیته تلاش می‌کردند تا در جامعه امنیت برقرارکنند؛ اما از اواخر سال ۱۳۵۸، مخالفت‌هایی از سوی دولت موقت شنیده می‌شد و آنها نسبت به برخی اقدام‌های کمیته هشدار می‌دادند؛ به‌طورنمونه می‌گفتند: نیروهای کمیته آموزش ندیده‌اند و دوره‌های لازم را نگذرانده‌اند، خودسرانه عمل می‌کنند و باعث بروز بی‌نظمی می‌شوند (یوسف ترابی، مصاحبه درخصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲).

به‌عبارتی، دولت موقت احساس می‌کرد که قدرت سیاسی و مدیریتی را به‌تنهایی در دست ندارد و این برای دولت موقت، خطری بزرگ به‌حساب می‌آمد؛ زیرا هیچ‌گاه حاشیه‌ای امن برای انجام فعالیت‌های گوناگون دولت موقت وجود نداشت و هر لحظه ممکن بود، عده‌ای انقلابی، معترضانه مقابل رفتار و عملکرد آنها بایستند؛ درواقع، دولت موقت، کمیته‌های انقلاب اسلامی را قدرتی برتر از خود می‌دید؛ لذا حاضر نبود، کمیته را بپذیرد و همیشه با کمیته‌های انقلاب اسلامی مخالفت‌هایی داشت. نصرالله لک، از فرماندهان کمیته انقلاب اسلامی، در این خصوص می‌گوید:

حرف دولت موقت، این بود که مملکت نمی‌تواند چند دولت داشته باشد. قدرت باید در دست دولت، متمرکز شود تا بتواند انجام وظیفه کند؛ اما سیاست‌های دولت موقت با آرمان‌های امام و

انقلاب، متناسب نبود و با اینها در تضاد بود. آن‌قدر جسارت پیدا کرده بودند که به پاسدارها و ارزش‌ها توهین می‌کردند و می‌گفتند: حکومت نعلین داردمی‌آید. خودشان را به نحوی صاحب همه انقلاب می‌دانستند. قصد خدمت نداشتند و می‌خواستند برنامه‌ای بریزند که نظام استحاله‌شود و خودشان بتوانند برداشت‌های پیشین را در حیطه‌ای وسیع‌تر توسعه بدهند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با نصرالله لک، شماره بازیابی: ۱۴۶۷۷).

البته نصرالله لک تأکید می‌کند که در اوایل، کمیته، بازوی دولت موقت بود و اختلاف‌هایی ایجاد نشده بود ولی وقتی دیدند کمیته‌ها گاهی با خواسته‌های آنها همخوانی ندارند و در همه امور، مطیع دولت نیستند، آنها را خودش و یاغی نامیدند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با نصرالله لک، شماره بازیابی: ۱۴۶۷۶).

به هر روی، دولت موقت با آخرین توان خود کوشید تا کمیته‌ها را حذف کند و در این راستا فشارهایی زیاد به آنها تحمیل کرد؛ از جمله اینکه مستقیم با امام خمینی (ره) وارد مذاکره شد تا ایشان را متقاعد کند که نیروهای کمیته باید منحل شوند. درحالی‌که کمیته‌ها، بسیار برای حفظ انقلاب زحمت کشیده بودند و نبود این نیروی مقدس به معنای حذف انقلاب و خداحافظی با آرمان‌های انقلاب در همان اوان انعقاد نطفه بود. خوشبختانه به‌رغم تلاش دولت موقت برای حذف و از میان برداشتن کمیته‌ها، آنها ماندند و انقلاب اسلامی را در گذر از بحران‌ها یاری کردند.

۲-۱-۴- احزاب و گروه‌های سیاسی

آغاز سلسله جنبش‌ها و قیام‌های مردمی از سال ۱۳۴۲ تا به‌ثمر رسیدن آن در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷، دوره‌ای بود که احزاب و گروه‌ها فعالیت‌هایی مختلف داشتند. در خلال سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت وجود گروه‌ها و سازمان‌های منسجم سیاسی به‌منظور هدایت انقلاب در صورت رسیدن به پیروزی و تشکیل نظام اسلامی، بیش‌ازپیش احساس شد؛ در همین راستا افراد انقلابی از جمله شهید مطهری، شهید مهدی عراقی و جلال‌الدین فارسی، از طریق ارتباطی که با امام خمینی (ره) در خارج از کشور داشتند، نظر ایشان را درباره ضرورت ائتلاف و وحدت، به گروه‌های مبارز مسلمان در داخل اطلاع دادند؛ در این‌میان، گروه‌هایی مختلف تشکیل شدند و همچنین، گروه‌های سیاسی که از پیش‌تر وجود داشتند، به فعالیت و مبارزه خود افزودند (سعیدی، ۱۳۸۵: ۷۵).

از میان این گروه‌ها، دو گروه سیاسی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جامعه روحانیت مبارز را

می توان نام برد که طبق تحقیق های انجام شده، بیشترین نقش را در سازماندهی کمیته های انقلاب برعهده داشتند؛ یوسف ترابی در این باره می گوید:

برخی از اعضای گروه های سیاسی معتقد به خط امام به کمیته ها پیوستند ولی در به وجود آمدن آن نقشی نداشتند؛ برای مثال، گروه منصورون و صف که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تشکیل داده بودند، به دنبال فرصتی بودند که به انقلاب خدمت کنند؛ به عبارت دیگر، اعضای گروه ها و سازمان های سیاسی، به صورت شخصی وارد کمیته ها می شدند و به حزب و گروه خود کاری نداشتند؛ احزاب، گروه ها و نهادها هم هیچ بیانیه و اطلاعیه ای موافق یا مخالف کمیته ها منتشر نکردند؛ در واقع، کمیته ها از متن مردم جوشیده بودند و به جناح، حزب و گروهی خاص وابستگی نداشتند. (یوسف ترابی، مصاحبه در خصوص کمیته های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲).

با توجه به مطالب بالا اگرچه نمی توان برای احزاب و گروه های سیاسی، نقشی در تأسیس سازمان کمیته های انقلاب در نظر گرفت، اعضای آنها در این سازمان، نقشی بسیار ایفا کرده اند که در ادامه به چند مورد اشاره می شود.

۲-۱-۴-۱- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نامی بود که هفت گروه مسلح شامل «امت واحده، توحیدی خلق، منصورون، فلاح، بدر، موحدین و صف»، در فروردین سال ۱۳۵۸ بر خود نهادند و اعلام وحدت کردند (سعیدی، ۱۳۵۸: ۷۵)؛ اعضای هفت گروه مزبور، کوششی فراوان برای حفاظت از رهبر انقلاب، هنگام ورود به ایران و در ایام اقامت ایشان در مدارس رفاه و علوی انجام داده بودند و بسیاری از آنها در زمره مؤسسان و فعالان سازمان کمیته های انقلاب اسلامی قرار گرفتند.

با توجه به آمادگی هایی که اعضای سازمان مجاهدین در مسائل نظامی داشتند، نقشی مؤثر را در تشکیل کمیته های انقلاب برعهده گرفتند. افرادی چون: مرتضی الویری (عضو شورای مرکزی کمیته های انقلاب و عضو شورای فرماندهی سپاه در سال ۱۳۵۸)، بهزاد نبوی، سردار محمدباقر ذوالقدر، حسین زیبایی نژاد (سردار نجات)، سردار علی عسگری، سردار حسن حمیدزاده، شهید قلم بر، شهید محمد فدایی و... در رده های بالایی کمیته، مسئولیت و فعالیت داشتند (سعیدی، ۱۳۸۵: ۸۹).

۲-۱-۴-۲- جامعه روحانیت مبارز: با شکست قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، روشن شد که دلیل شکست این قیام، عدم وجود تشکیلاتی منسجم بوده است. در سال ۱۳۵۶ با تأکید امام خمینی (ره) و با حمایت از شهید مطهری، نخستین هسته جامعه روحانیت مبارز شکل گرفت. پس از پیروزی انقلاب

اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، دغدغه‌ای جز پیگیری فرایند تثبیت نظام اسلامی در سرنداشت؛ از این رو نیروهایش را در مرکز حساس حکومتی بر قدرت‌نشانند تا تجربه‌های تلخ گذشته، یعنی برکناری روحانیت تکرار نشود (کردی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

با توجه به ناامن کردن جامعه از سوی گروه‌های سیاسی، مقوله امنیت داخلی به‌ویژه در شهرها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها بود. جامعه روحانیت مبارز با قرار گرفتن در رأس کمیته‌ها توانست رفته‌رفته این نگرانی را برطرف کند. آیت‌الله مهدوی کنی که از اعضای جامعه روحانیت مبارز بود، به‌عنوان فرمانده کمیته مرکزی انتخاب شد؛ همچنین دیگر اعضای جامعه روحانیت که در دوران مبارزه، تجارب لازم تشکیلات را کسب کرده بودند، به‌طور عمده مسئولیت مناطق چهارده‌گانه کمیته‌های تهران را برعهده گرفتند که از آنها اشخاص زیر را می‌توان نام برد: مصطفی ملکی، محمد مفتاح، سید هادی خسروشاهی، علی غیوری، محمد حقی، عباسعلی عمید زنجانی، علی اصغر مروارید، رضی شیرازی، عبدالمجید ایروانی، جلالی خمینی، موحدی کرمانی و باقری کنی (کردی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

۲-۲- ساختار اجتماعی و فرهنگی

در این قسمت، نقش ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور، شامل «گروه‌های اجتماعی، تشکل‌های فرهنگی»، مراکز اجتماعی و فرهنگی شامل «مساجد، حوزه علمیه، دانشگاه‌ها، هیئت‌های مذهبی و حسینیه‌ها» در به‌وجود آمدن سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی مطالعه می‌شود.

۲-۲-۱- حوزه‌های علمیه؛ روحانیت

در خصوص حوزه‌ها می‌توان گفت فارغ‌التحصیلان حوزه‌ها مانند روحانیان و طلبه‌ها در تشکیل کمیته‌ها نقش داشتند یا پس از تشکیل کمیته‌ها در آن حضور یافتند. امام خمینی (ره) در هر نهادی، یک نماینده ولی فقیه داشتند که فردی روحانی بود و سلامت دینی و رعایت ارزش‌های انقلابی را در سازمان‌ها و نهادها مواظبت می‌کرد (یوسف ترابی، مصاحبه در خصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲).

روحانیت در بُعد فکری و ایدئولوژیک انقلاب و مکتب تشیع که به‌عنوان منبع فکری انقلاب بود، نقشی مهم برعهده داشت؛ مانند امام خمینی (ره)، شهید مطهری، شهید بهشتی و... که همه تربیت‌شده حوزه‌ها بودند و در پیروزی انقلاب، نقشی مهم ایفا کردند و همچنین آیت‌الله طالقانی، موسوی اردبیلی، منتظری، مشکینی و علمای دیگری که در پیروزی انقلاب نقش داشتند؛ همین روحانیان در

سازمان‌های انقلابی به‌ویژه سازمان کمیته‌ها نیز بسیار فعالیت می‌کردند؛ چنان‌که فرماندهان کمیته‌ها، اغلب روحانی بودند. (یوسف ترابی، مصاحبه درخصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲).

در مجموع می‌توان گفت، نخستین قشری که در کمیته‌های انقلاب اسلامی حضوری سازنده و نقشی تعیین‌کننده داشتند، علما و روحانیان مبارز شیعه بودند. آن دسته از علمایی که به امام خمینی (ره) علاقه‌مند بوده، به انقلاب اسلامی اعتقاد داشتند، از ابتدای تشکیل کمیته‌ها، در رأس آن قرار گرفتند.

۲-۲-۲- دانشگاه‌ها؛ دانشجویان و استادان

نقش پیشروی اجتماعی، یکی از کارکردهای ثانوی، اما طبیعی دانشگاه‌هاست. در جوامع و کشورهای گوناگون، دانشگاه‌ها طلایه‌دار حرکت‌های پیشروانه، نوگرایانه، اصلاحی یا انقلابی هستند؛ در کشور ما نیز دانشجویان، چنین نقشی را ایفا کردند و در جریان شکل‌گیری و اوج‌یابی نهضت اسلامی ایران، به شکل‌های گوناگون در آن، سهم شدند و نقش پیشروانه خود را ایفا کردند. پس از پیروزی انقلاب و شکل‌گیری سازمان‌های انقلابی، یکی از گروه‌هایی که به‌طورخودجوش، به این سازمان‌ها جذب شدند، دانشگاهیان بودند.

به‌طورکلی دانشجویان در پیروزی انقلاب، نقشی بسیار مهم برعهده‌داشتند. آن دسته از استادان متدین و انقلابی دانشگاه‌ها که روحیه انقلابی داشتند و حاضر بودند برای دفاع از انقلاب سلاح به‌دست بگیرند، به جمع پاسداران کمیته‌های انقلاب پیوستند؛ علاوه‌براینها تعدادی طلبه و دانشجویانی بسیار به کمیته‌ها وارد شدند؛ کسانی چون: محمد شریعت‌مداری، جواد جلال، حسین صادقی، سید جلال صادقیان، حسین کلاترزاده، سید محمد موسوی، مجتبی محمودی، حسین اسماعیلی، سید علی سقائیان، فرید مشایخ، محمدتقی فلاح، حمید روحانی، طیب احمدی، شهید حجت‌الله محمدی، شهید ناصر دادرس، شهید احمد جاوید، شهید نواب مطلق و... (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با یوسف ترابی، شماره بازیابی: ۱۴۶۷۸).

۲-۲-۳- مساجد، حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی

با توجه به ماهیت سیاسی دین اسلام، مسجد به‌عنوان کانون و محور فعالیت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی، نقشی مهم در تاریخ پرفرازونشیب اسلام برعهده‌داشته‌است؛ این نقش به دلیل سرنوشت ویژه و تاریخ پرحادثه مذهب تشیع و درگیری‌های فراوان آن با نظام‌های حاکم ظالم و غیرمشروع، بیشتر

اهمیت دارد. در تاریخ اسلام، مسجد پیوسته پایگاه بسیج مردم و تجمع نیروهای مجاهد و همچنین محلی برای تجهیز و وسیع امکانات توسط عناصر ناراضی و انقلابی بوده است (مهری، ۱۳۸۳: ۱۹)؛ در بهمن سال ۱۳۵۷ نیز، مساجد، بار دیگر به هویت اصلی خویش بازگشته، الهام‌بخش حرکت دینی و انقلابی مردم شدند و روحانیت و روحانیان به‌عنوان پیش‌قراولان انقلاب اسلامی از سنگر مساجد به هدایت انقلاب پرداختند. یوسف ترابی درخصوص نقش مساجد در تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی می‌گوید:

اگر بخواهیم خاستگاه و محل تولد کمیته‌ها را مشخص کنیم، می‌توانیم مساجد را نام ببریم. به‌طور معمول، تظاهرات انقلابی از مساجد آغاز می‌شد و هنگامی که انقلاب، پیروز شد نیز کمیته‌ها از درون مساجد متولد شدند. هر مسجدی در تهران، کانون تشکیل یک کمیته محلی بوده، فرمانده آن، یک روحانی مورد وثوق مردم بود؛ بنابراین، مسجد و روحانیت، خاستگاه اصلی کمیته‌ها بود (یوسف ترابی، مصاحبه درخصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲).

حجت‌الاسلام ناطق نوری از اعضای فعال کمیته نیز، به نقش مساجد در تشکیل کمیته‌های انقلاب اشاره می‌کند: «از آنجایی که مساجد نقشی بسزا در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، لذا از همان اوایل، مساجد به محل رجوع و اداره انقلاب تبدیل شدند و تشکیل کمیته‌ها در آنها پیشنهاد شد» (میردار، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

درخصوص حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی می‌توان گفت، از آنجاکه کمیته، سازمانی مردم‌نهاد امنیتی بود، بخشی قابل توجه از اعضای آن، افراد مذهبی و هیئتی بودند؛ برخی از هیئت‌هایی که در حسینیه‌ها و مساجد فعالیت داشتند، عبارت‌اند از: حسینیه عزاداران متوسلین به قمرینی‌هاشم، حسینیه شبستری‌ها، قمی‌ها، محلاتی‌ها و... بسیاری از پاسداران کمیته‌ها عضو هیئت‌های مذهبی محلات خودشان بودند؛ درواقع، این افراد احساس کرده بودند که انقلاب به مراقبت، پاسداری و دفاع جدی، نیازمند است و از امنیت کشور و جمهوری اسلامی نوپا باید مراقبت کرد؛ به همین دلیل به‌صورت خودجوش به کمیته‌ها وارد شدند (یوسف ترابی، مصاحبه درخصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲).

۲-۲-۴- گروه‌های اجتماعی و تشکل‌های فرهنگی

سازمان کمیته‌های انقلاب، بی‌درنگ پس از پیروزی انقلاب تشکیل شد و هنوز گروه و تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی جدیدی شکل نگرفته بودند؛ در دوره پهلوی نیز اگرچه گروه‌های اجتماعی و

سازمان‌های مردم‌نهاد وجود داشتند، به شدت دولتی بودند. به‌طور کلی سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای جهان سوم که جامعه مدنی در آنها ضعیف است، به دولت، بسیار وابستگی دارند. پیش از پیروزی انقلاب، سازمان‌ها و اصنافی (سندیکاهایی) مانند سندیکاهای کارگری، سازمان‌های مذهبی، سازمان‌های مردم‌نهاد و... وجود داشتند ولی اینها تحت نظر دولت بودند و وزارت اطلاعات شاه، به‌طور عمیق بر آنها نظارت داشت؛ بنابراین، نهادهای جامعه مدنی نمی‌توانستند به‌طور جدی فعالیت داشته باشند (یوسف ترابی، مصاحبه در خصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۲).

۳- زمینه و بسترهای کارگزاری ایجاد سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی

۳-۱- قشرهای فعال در ایجاد سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی

کمیته‌های انقلاب اسلامی، نیرویی خودجوش و متشکل از مردم بود و به‌گونه‌ای نبود که از پیش برنامه‌ریزی شده و افرادی خاص گزینش شده باشند. بسیاری از علما، روحانیان، سیاسیون مبارز و افراد عادی جامعه به دلیل علاقه به انقلاب، به میدان وارد شدند و می‌توان گفت که هدف مشترک «حفظ دستاوردها و پیشبرد آرمان‌های انقلاب اسلامی» آنها را گرد هم آورده بود.

مهم‌ترین اقشاری که به کمیته‌های انقلاب پیوستند، عبارت بودند از: عموم مردم از طبقات محروم و متوسط جامعه، علما و روحانیان متعهد و مردمی، شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و انقلابی، برخی از زندانیان سیاسی آزاد شده از زندان‌های رژیم پهلوی، استادان دانشگاه‌ها و آموزگاران مدارس کشور، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارگران و کارمندان، دهقانان و کشاورزان (یوسف ترابی، مصاحبه در خصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۳).

حضور علما و روحانیان متعهد و نخبگان علمی، سیاسی و انقلابی در میان اقشاری مختلف که در کمیته‌های انقلاب حضور یافته بودند، امتیاز و نعمتی ارزشمند برای کمیته محسوب می‌شد؛ این نخبگان علمی و سیاسی، سامانه تشکیلاتی کمیته را سازماندهی کردند و عهده‌دار اداره معاونت‌ها و بخش‌های مختلف این سازمان انقلابی شدند و با تربیت نیرو، بسیاری از نهادهای دیگر انقلاب اسلامی را نیز تغذیه کردند. با توجه به اهمیت قشر علما و نخبگان علمی و سیاسی و نقش آنها در تشکیل و سازماندهی سازمان کمیته‌های انقلاب، در پژوهش حاضر، این قشر به‌عنوان کارگزاران یا نخبگان اصلی این سازمان در نظر گرفته شده‌اند و در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۳-۲- نقش کارگزاران در طراحی ایده و تأسیس سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی

اگرچه کمیته‌های انقلاب به صورت خودجوش و مردمی در مساجد کشور به وجود آمدند، نمی‌توان نقش رهبران انقلابی و در رأس آنان، امام خمینی (ره) را در ایجاد سازمانی برای برقراری امنیت و آرامش پس از پیروزی انقلاب اسلامی نادیده گرفت. با مجاهدت‌های مردم و روحانیت، انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی نهایی رسید. پس از پیروزی انقلاب و تسخیر پادگان‌ها، سلاح زیادی به دست مردم افتاد و بیم آن می‌رفت در خلأ وجود نیروی نظامی متمرکز، امنیت کشور به‌خطر افتد و تهدیدی از این ناحیه، متوجه انقلاب شود.

زمانی که امام دستور دادند، مردم اسلحه‌ها را به مساجد تحویل دهند، گروه‌های سیاسی که فرصتی مناسب برای جمع‌آوری سلاح یافته بودند، مقرهایی ساختند و اسلحه‌ها را از مردم تحویل گرفتند و آنها را انبار کردند؛ نیروهای انقلابی از این وضعیت، ناراضی بودند؛ در نتیجه از سوی شهید مطهری، تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی به امام (ره) پیشنهاد شد (کردی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

شهید مطهری به عنوان یکی از نخبگان فکری و اجرایی انقلاب اسلامی، طرح (ایده) تأسیس نهادی مسلح را مطرح کرد. حجت‌الاسلام علم‌الهدی، از اولین نفرات کمیته و مسئول کمیته مسجد لرزاده، در این باره می‌گوید: «پس از پیروزی انقلاب و ایجاد شرایط ناامنی، شهید مطهری خدمت امام (ره) عرض کرد، الان وقت آن است که نهادی مسلح تحت فرماندهی روحانیت تشکیل بدهیم» (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با سید احمد علم‌الهدی، شماره بازبایی: ۱۴۶۶۲). به یقین می‌توان گفت، تمامی کسانی که در روزهای اول پس از پیروزی انقلاب حضور داشتند و ماجرا را شاهد بودند، از شهید مطهری به عنوان اولین کسی که پیشنهاد تشکیل کمیته را به امام (ره) عرضه کرد، نام می‌برند.

در نهایت، کمیته‌های انقلاب اسلامی که می‌توان گفت، پیش از پیروزی رسمی انقلاب در ۲۲ بهمن، به صورت خودجوش و غیررسمی از سوی جوانان انقلابی و زیر نظر روحانیت انقلابی در مساجد کشور شکل گرفته بودند، با تدبیر امام خمینی (ره) و شهید مطهری رسمیت یافتند؛ در واقع کمیته‌ها نیروهای مردمی و خودجوش بودند که مردم، آنها را تشکیل داده بودند؛ امام، کار مردم را تنفیذ کردند و بعد هم دستور دادند برای نظم امور، کمیته مرکزی تشکیل شود تا نیروهای انتظامی نظم بگیرند.

هر نهاد، سازمان و تشکیلاتی، در ابتدای شکل‌گیری، به فرمانده و مسئول نیاز دارد؛ سازمان کمیته‌های انقلاب با وجود اینکه خودجوش و مردمی بود، از این قاعده مستثنی نبود زیرا کمیته‌هایی که در سطح شهر تشکیل شده بودند، در اجرای برنامه‌های انقلابی خود با مشکلاتی روبه‌رو بودند و گاهی در

عملیات اجرایی با کمیته‌های هم‌جوار خود تداخل داشتند؛ لذا وجود یک مرکز و انتصاب یک مسئول به‌عنوان سرپرست تمامی کمیته‌های انقلاب ضروری می‌نمود تا بتواند آنها را به‌صورت نظام‌مند درآورد و به فعالیت‌هایشان انسجامی بیشتر ببخشد؛ در این زمینه، شهید مطهری با ارائه گزارشی، وضعیت موجود را به استحضار امام رساند.

حجت‌الاسلام علم‌الهدی درباره انتخاب فرمانده کمیته‌ها می‌گوید: «شهید مطهری، پس از پیشنهاد تشکیل کمیته به امام گفت: کسی که برای تأسیس این نهاد، خوب است، آقای مهدوی کنی است» (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با سید احمد علم‌الهدی، شماره بازیابی: ۱۴۶۶۲). در شرایط آن زمان، انتصاب مسئول کمیته، بسیار حساس بود؛ گروهی که طرفدار سازمان مجاهدین خلق بودند، اصرار داشتند تا حجت‌الاسلام لاهوتی به این سمت منصوب شود. آیت‌الله مهدوی کنی در کتاب خاطرات خود، نحوه انتخاب فرمانده کمیته را این‌گونه شرح می‌دهد:

امام در آن وقت در مدرسه علوی تشریف‌داشتند. ما با دوستان در روز دهم یا یازدهم اسفند نشسته بودیم، ناگهان مرحوم مطهری سراسیمه وارد شدند و گفتند: چرا نشسته‌اید؟ امکان دارد فاجعه‌ای رخ دهد؛ گفتیم چه شده؟ گفتند: بعضی از این وزرای نهضت آزادی با آقای لاهوتی در محضر امام هستند و امام، حکم فرماندهی نیروهای انقلابی را برای آقای لاهوتی نوشته‌اند و قرار است، ساعت ۱۲ از رادیو پخش شود و این فاجعه است، ایشان فرمودند: یکی از شماها مسئولیت کمیته‌ها را بپذیرید، بعد فکری دیگر می‌کنیم؛ به تک‌تک گفتند، شما قبول می‌کنید؟ تا بالاخره، قرعه فال به نام بنده افتاد (خواججه‌سروی، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

درواقع می‌توان گفت که شهید مطهری علاوه بر پیشنهاد تأسیس کمیته‌های انقلاب اسلامی، فرمانده آن را نیز به امام خمینی (ره) پیشنهاد داد؛ به اعتقاد آیت‌الله مهدوی کنی، دلیل پذیرش این امر از سوی امام (ره) به جهت ایمان و علاقه‌ای بود که ایشان به شهید مطهری داشتند.

۳-۳- نقش کارگزاران در فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی

در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، هدف از تشکیل سازمان کمیته‌های انقلاب، مبارزه با بحران‌های نظامی بود اما با گذشت زمان و با مشاهده عدم وجود امنیت در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و...، این نهاد، حوزه فعالیت‌های خود را گسترش داده، تمام تلاش خود را به‌کارگرفت تا امنیت را در تمامی حوزه‌ها به جامعه برگرداند. کارگزاران و نیروهای کمیته، به‌طورگسترده در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی در کمیته‌ها و همچنین در جامعه نقش داشتند که در این قسمت به آن

پرداخته می‌شود.

سازمان کمیته، تشکیلات و سازمانی شبه‌پلیسی، شبه‌نظامی و انقلابی متناسب با شرایط و مقتضیات دوران پرجوش و خروش انقلاب بود و مانند هر تشکیلاتی دیگر، به آموزش نیاز داشت؛ به همین سبب، کمیته‌های انقلاب اسلامی برای ارتقای سطح معلومات و مهارت‌های نیروهای پاسدار، دوره‌های مختلف آموزشی را دایمی کرد. سردار آیت‌گودرزی، درباره آغاز فعالیت‌های آموزشی کمیته می‌گوید: پس از انقلاب، تمرکزمان را روی آموزش گذاشتیم. آموزش را از حدود تیرماه سال ۱۳۵۸ آغاز کردیم. هفت یا هشت نوع آموزش را هم‌زمان شروع کردیم. دوره‌های عمومی به صورت سه‌روزه بود که در ولی‌آباد برگزار می‌شد؛ بعدها دوره‌ها به صورت یک‌هفته‌ای شد؛ سپس آموزش‌ها را به پادگان نصر بردیم که حدود یک ماه ادامه پیدا کرد لذا اولین دوره‌های آموزشی ما در حقیقت، آموزش‌های ۴۸ ساعته و ۷۲ ساعته بود؛ سپس، همین‌طور ادامه یافت تا دوره‌های تخصصی شش‌ماهه و بعد هم دانشکده افسری ایجاد شد (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با آیت‌گودرزی، شماره بازپایی: ۱۴۸۹۷).

در بدو تشکیل سازمان کمیته‌ها، نیروهای متخصص در امور نظامی و امنیتی وجود داشتند لذا کمیته به کمک برخی از نیروهای متدین و انقلابی رژیم سابق به آموزش پاسداران اقدام کرد؛ یوسف ترابی در این زمینه می‌گوید: «برخی از نیروهای مسلمان و انقلابی قوای مسلح رژیم سابق که دارای تجربه نظامی‌گری بودند، در زمینه آموزش نیروهای کمیته به خدمت پرداختند» (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با یوسف ترابی، شماره بازپایی: ۱۴۶۷۸).

همچنین، ستاد مشترک ارتش، طی دوره‌های یک‌ماهه، دو ماهه و سه‌ماهه از نیمه دوم سال ۱۳۵۸، دوره‌های تخصصی شغلی و مهارتی را در قالب بازجویی، تعقیب و مراقبت، جمع‌آوری اطلاعات و قفل و کلید برگزار کرد. کلاس‌سبزه‌های ارتش به مدت سه سال در سال ۱۳۵۹، دوره ویژه‌رهایی‌گروگان را با هدف تربیت مربی نیز برگزار کردند. از نیروهای کمیته‌های انقلاب اسلامی، کسانی بودند که پیش از پیروزی انقلاب، آموزش‌های نظامی دیده بودند و به آموزش پاسداران می‌پرداختند؛ از این موارد می‌توان شهید سعید گلاب‌بخش معروف به محسن چریک را نام برد؛ یوسف ترابی در خصوص فعالیت این شهید بزرگوار و دیگر افراد فعال در این زمینه می‌گوید:

از قول یکی از پاسداران بزرگوار کمیته انقلاب اسلامی نقل می‌کنم که شهید سعید گلاب‌بخش که در لبنان، آموزش چریکی دیده بود، همراه با بردارش به نیروهای کمیته، سلاح‌شناسی و تیراندازی

آموزش می‌داد. او دوره‌های ویژه و تخصصی شامل نفوذ و تخریب و دوره‌های تربیت مربی نظامی را از تیرماه سال ۱۳۵۸ به مدت یک ماه برگزار کرد. از اواسط سال ۱۳۵۸، پادگان نصر تشکیل شد و افرادی مانند آقایان حسین صادقی، سیدی، رودباری، غیائی و... در آن به فعالیت پرداختند؛ در این پادگان، آموزش‌های ۲۵ روزه در موضوع‌های آشنایی با احکام و مسائل اسلامی و شرعی، آموزش قرآن، آموزش سلاح‌شناسی، تجسس، پیدا و ختنی کردن بمب و مقابله با ترور ارائه می‌شد (یوسف ترابی، مصاحبه در خصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۳).

بعد از آموزش‌های ابتدایی، آموزش‌های تخصصی هم در پادگان نصر ارائه شد؛ به تدریج، سازمان و ساختار تشکیلاتی کمیته‌های انقلاب، تغییرهایی پیدامی‌کرد. معاونت طرح و برنامه به وجود آمد و اقدام‌هایی به منظور بهینه‌سازی روش‌های اجرایی و آموزشی انجام شد؛ همچنین اقدام‌هایی در ستاد مرکزی کمیته به عمل آمد و واحد فرهنگی کمیته به معاونت فرهنگی و آموزشی تغییر نام داد؛ یوسف ترابی در خصوص این تغییرها می‌گوید:

از سال ۱۳۶۵، معاونت فرهنگی و تربیت بدنی، به معاونت آموزش تبدیل شد و حجت‌الاسلام الهی و آقای محمد قصری نقشی مهم در شکل‌گیری معاونت آموزش کمیته انقلاب داشتند؛ به عبارتی هرچه از سال ۱۳۵۸ به سمت سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ می‌رویم، ساختار کمیته‌ها منسجم‌تر می‌شود و ساختار علمی منطقی‌تری برای انجام مأموریت‌ها پیدامی‌کند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با یوسف ترابی، شماره بازبایی: ۱۴۶۸).

کمیته انقلاب اسلامی در کنار فعالیت‌های انقلابی، امنیتی و انتظامی و مبارزه با مواد مخدر و... فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی شایان توجهی برای تقویت امنیت داخلی صورت داده است. سردار آیت‌گودرزی در این باره می‌گوید:

شاید اولین کار فرهنگی را در کشور، کمیته شروع کرد. تمام کمیته‌ها موظف شدند، کار فرهنگی کنند. هرکس در حد بضاعت خودش کار می‌کرد. بالاترین بُعد فرهنگی کمیته را روحانیت به عنوان محرک، مبلّغ و عامل اصلی برعهده داشت. ضمن اینکه وجود، هست و ظاهر نیروهای کمیته، بُعد فرهنگی و آموزشی داشت (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با آیت‌گودرزی، شماره بازبایی: ۱۴۸۹۷).

یوسف ترابی نیز بر نقش علما و روحانیان تأکید می‌کند و معتقد است، بخشی از کارگزاران و اعضای کمیته‌ها که از حوزه‌های علمیه آمده بودند، در مسائل فرهنگی و تربیتی نقشی مهم

برعهده‌داشتند؛ درواقع می‌توان گفت که نقش روحانیت در کمیته، بیشتر نقش هدایتی و فرهنگی بود؛ به‌طورمثال اینکه ارزش‌ها و احکام شرعی در مأموریت‌ها رعایت‌شود و پاسداران در مواجهه با ضدانقلاب و مردم دچار گناه نشوند؛ حضور روحانیان باعث می‌شد در این مسائل، نوعی فرهنگ-سازی صورت‌گیرد و همچنین، نیروهای انسانی، تربیتی خوب پیداکنند (یوسف ترابی، مصاحبه درخصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۳).

برخی از زندانیان سیاسی مسلمان نیز که با پیروزی انقلاب اسلامی از زندان‌ها آزاد شده‌بودند به دلیل پیشینه مبارزاتی، تجربه‌هایی گران‌بها در زمینه مسائل اطلاعاتی، امنیتی و عملیاتی داشتند و علاوه‌بر فعالیت در معاونت‌های اطلاعات و عملیات، معاونت پشتیبانی و تدارکات، در معاونت فرهنگی نیز بسیار فعالیت می‌کردند؛ کسانی مانند «احمد احمدی فصیح، سید علی بهشتی، مهندس خالدی، مهندس الویری، علی قناده‌ها، عزت مطهری (عزت شاهی)، مجتبی ثبوت»، سعید گلاب‌بخش و برادرشان دکتر گلاب‌بخش (محسن چریک)» از این دسته‌اند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با یوسف ترابی، شماره بازیابی: ۱۴۶۷۸). ترابی درباره گروه‌هایی که در کمیته‌های انقلاب اسلامی به فعالیت فرهنگی می‌پرداختند، می‌گوید:

کارهای فرهنگی در کمیته‌های انقلاب اسلامی با محوریت روحانیت انجام می‌گرفت و برخی از دانشجویان متدین و فاضل نیز در این زمینه نقش داشتند افرادی مانند دکتر گلاب‌بخش، مهندس خالدی، مجتبی ثبوت، آقای وزیری و حجت‌الاسلام آل اسحاق در امور فرهنگی و تقویت باورهای دینی و اعتقادی، نقشی مهم داشتند و در ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی آیت‌الله مهدوی کنی کلاس اخلاق و برخی دروس کلامی را برای پاسداران برگزار می‌کردند و حضور شخصیت‌هایی بزرگوار مانند حجت‌الاسلام والمسلمین باقری کنی که بسیار ساده‌زیست و خاکی بوده، نفوذ معنوی خاصی در میان پاسداران داشت، تأثیرهای تربیتی بسیار مهمی بر پاسداران کمیته‌ها گذاشته بود (یوسف ترابی، مصاحبه درخصوص کمیته‌های انقلاب اسلامی، توسط محقق: ۱۳۹۴/۳/۳).

شایان اشاره است که در این شرایط، حضور تعدادی قابل‌توجه از استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کشور از رشته‌های مختلف فنی و مهندسی، پزشکی و علوم انسانی در کمیته‌های انقلاب اسلامی که از دانش و بینش بالای اجتماعی و سیاسی، بهره‌مند بودند، زمینه‌ساز ارتقای سطح بالای آموزشی و تربیتی در میان نیروهای انسانی انقلابی و ایثارگر بود (بختیاری و ترابی، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

نتیجه گیری

در این پژوهش به مطالعه زمینه‌های فکری، ساختاری و کارگزاری ایجاد سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی پرداخته شد. به‌طورکلی، انقلاب‌ها مستلزم پشتوانه‌ای فکری و نظری هستند تا بتوانند پس از پیروزی انقلاب، نظام سیاسی مطلوب خود را بسازند. بدیهی است ایدئولوژی تشکیل نظام سیاسی و سازمان‌ها و نهادهای انقلابی، در ایدئولوژی انقلاب ریشه دارد؛ لذا برای بررسی زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک سازمان‌های انقلابی باید به ایدئولوژی انقلاب مراجعه کرد. در واقع، سازمان‌های انقلابی، زاینده انقلاب هستند؛ بنابراین، ایدئولوژی سازمان‌های انقلابی، همان ایدئولوژی انقلاب است.

امام خمینی (ره) به‌عنوان بزرگ‌ترین ایدئولوگ انقلاب اسلامی و افرادی دیگر مانند استاد مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی، ساختن و پرداختن به ایدئولوژی انقلاب اسلامی را انجام دادند. ایدئولوگ‌های انقلاب اسلامی ایران برای طرح ایدئولوژی انقلابی از منابع قرآنی و روایات ائمه معصوم استفاده کردند؛ آنها جنبه بالقوه سیاسی دین اسلام و مذهب تشیع را به‌فعلیت درآوردند. عدالت-طلبی، جهاد، ایثار و شهادت، انجام فریضه امریبه‌معروف و نهی‌ازمنکر، از جمله عناصری بود که با استفاده از منبع غنی قرآن و روایات ائمه، مبنای ایدئولوژی انقلاب اسلامی قرار گرفت.

در بررسی تأثیر زمینه‌های ساختاری بر ایجاد سازمان کمیته‌ها، حمایت و مخالفت نهادها و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه شد. نهاد رهبری برای حفظ زحمات مردم انقلابی، فرمان تأسیس سازمان‌هایی مختلف از جمله سازمان کمیته‌ها را صادر کردند و طی مراحل تشکیل و گسترش این سازمان نیز همیشه و در همه حالات، حمایت خود را دریغ نکردند. شورای انقلاب که در حکم مجلس کشور قرارداد داشت، به‌صورت مستقیم در تشکیل و سازماندهی کمیته‌های انقلاب نقشی نداشت (زیرا کمیته‌ها بسیار سریع و بی‌درنگ، پس از پیروزی انقلاب تشکیل شدند) اما نقش برخی اعضای شورای انقلاب از جمله شهید مطهری را در ایجاد کمیته انقلاب اسلامی و انتخاب فرماندهی آن نمی‌توان انکار کرد. دولت موقت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ریاست مهندس بازرگان فعالیت خود را آغاز کرد، ابتدا با شکل‌گیری کمیته‌ها مخالف نبود اما پس از مدتی، به بهانه‌های مختلف از جمله بی‌نظمی نیروها، با کمیته‌های انقلاب اسلامی مخالفت می‌کرد.

در خصوص احزاب و گروه‌های سیاسی با توجه به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی زیادی وجود داشتند، لذا فقط به دو گروه مجاهدین انقلاب اسلامی و جامعه روحانیت مبارز که اعضای آنها بیشترین نقش را در ایجاد کمیته برعهده داشتند، اشاره شد. بسیاری از

اعضای فعال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در کمیته عضو شدند و اعضای جامعه روحانیت مبارز نیز در تشکیل کمیته‌ها بسیار نقش ایفا کردند چنان‌که فرماندهان مناطق چهارده‌گانه شهر تهران، همه از روحانیان عضو جامعه روحانیت مبارز بودند.

ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور، شامل «دانشگاه‌ها، حوزه علمیه، تشکل‌های فرهنگی و اجتماعی، مساجد و...» در ایجاد سازمان کمیته‌ها مؤثر بودند؛ اعضای این نهادهای فرهنگی و اجتماعی، مانند طلاب و روحانیان حوزه علمیه، دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها و... در مراحل از تشکیل و سازماندهی این سازمان انقلابی، نقشی شایان ایفا کردند.

درخصوص مباحث کارگزاری، این نتیجه حاصل شد که کمیته‌های انقلاب اسلامی، نیرویی خودجوش و متشکل از مردم بودند که اقشاری مختلف در آنها شرکت داشتند اما این علما و نخبگان علمی و سیاسی بودند که به‌عنوان کارگزار، کمیته‌ها را سازماندهی و این سازمان انقلابی را با وجود نامایمات فراوان حفظ کردند. شهید مطهری، یکی از کارگزاران اصلی کمیته‌ها بود که نه تنها در ساختن و ترویج ایدئولوژی انقلاب اسلامی، نقش بسیاری ایفا کرد، بلکه پس از پیروزی نیز از امر هدایت انقلاب فروگذاری نکرد؛ او با پیشنهاد تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی و همچنین پیشنهاد شایسته‌ترین فرمانده برای این سازمان انقلابی، خدمات زیادی به انقلاب عرضه کرد.

با توجه به اینکه نیروهای کمیته، افراد عادی جامعه بودند و هیچ‌گونه آموزش نظامی و سیاسی ندیده بودند، برای آنها کلاس‌های آموزشی نظامی دایر شد و نیروهایی این کار را انجام می‌دادند که دوره‌های چریکی و نظامی را گذرانده بودند؛ همچنین از نیروهای انقلابی ارتش رژیم پیشین کمک گرفته می‌شد. کارگزاران کمیته در کنار آموزش‌های نظامی و امنیتی، فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی نیز انجام می‌دادند. آیت‌الله مهدوی کنی به‌عنوان فرمانده کمیته مرکزی و مسئولان کمیته‌های چهارده-گانه تهران که همه روحانی بودند، در انجام فعالیت‌های فرهنگی، نقشی شایان ایفا کردند؛ همچنین، زندانیان سیاسی رژیم سابق در این زمینه نقش داشتند.

سرانجام با همه موافقت‌ها و مخالفت‌ها، سازمان کمیته شکل گرفت، ساختار قانونی پیدا کرد، برای آن اساسنامه تصویب شد و در آن، دفاتر و معاونت‌های مختلف برای رسیدن به اهداف تشکیل شدند. سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی پس از انجام خدمات گسترده در زمینه‌های مختلف در سال ۱۳۷۰ با سازمان‌های ژاندارمری و شهربانی ادغام شده، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را به‌وجود آوردند.

منابع

- ۱- منابع فارسی
- اخوان مفرد، حمیدرضا (زمستان ۱۳۸۰)؛ «ایدئولوژی انقلابی، امام خمینی، احیای تشیع»، *فصلنامه قبسات*؛ ش ۲۲.
- بختیاری، حسین و یوسف ترابی (۱۳۸۵)؛ *سیر تاریخی آموزش عالی پلیس در ایران تا ۱۳۷۰*؛ تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- ترابی، یوسف و سید احسان رحمانی (پاییز ۱۳۸۶)؛ «کمیته انقلاب اسلامی تجربه‌ای مهم در سپهر پلیس جامعه‌گرا و مردمی»، *فصلنامه دانش انتظامی*؛ ش ۳۵.
- حسین‌زاده، علی حسین (۱۳۷۴)؛ *بررسی کارکردهای اجتماعی دین در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و دکتر شریعتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ نهران: تربیت مدرس، دانشکده علوم اجتماعی.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۵)؛ *خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی*؛ ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رحیمی، حسین (شهریور ۱۳۶۱)؛ «انقلاب اسلامی و نهادهای انقلابی»، *نشریه دانشگاه انقلاب*؛ ش ۱۵.
- سعیدی، مهدی (۱۳۸۵)؛ *سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (از تأسیس تا انحلال ۱۳۵۸-۱۳۶۵)*؛ ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱)؛ *بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی*؛ تهران: الهام.
- _____ (۱۳۷۲)؛ *مجموعه آثار: جهان‌بینی ایدئولوژی*؛ ج ۲۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- قاسمی، حاکم (۱۳۸۳)؛ «نقش نخبگان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*؛ ش ۱۱ و ۱۲.
- کردی، علی (۱۳۸۶)؛ *جامعه روحانیت مبارز تهران از شکل‌گیری تا انشعاب*؛ ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- مجتبی‌زاده، عبدالکاظم (زمستان ۱۳۸۱)؛ «سه متفکر معاصر و دانشجویان: امام خمینی (ره)، استاد مطهری، دکتر شریعتی»، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*؛ سال ششم، ش ۱۵.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (زیر نظر جواد منصوری) (۱۳۹۳)؛ *تاریخ شفاهی تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ملکوتیان، مصطفی (پاییز ۱۳۸۱)؛ «انقلاب از آغاز تا فرجام: مروری بر ویژگی‌های هفت‌گانه مشترک انقلاب‌ها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*؛ ش ۵۷.
- مهری، فرشید (۱۳۸۳)؛ *مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی (ره)*؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- میردار، مرتضی (۱۳۸۵)؛ *خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری*؛ چ ۲، ج ۲؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۶)؛ «تجربه مدیریت نهادهای انقلاب اسلامی به‌عنوان سازمان‌هایی نوین، الگویی برای مهندسی فرهنگی سازمان‌ها»، *فصلنامه مصباح*؛ سال شانزدهم، ش ۷۰، ۲- اسناد
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با سید احمد علم‌الهدی، شماره بازیابی: ۱۴۶۶۲.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با یوسف ترابی، شماره بازیابی: ۱۴۶۷۸ و ۱۴۶۸.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با سردار آیت‌گودرزی، شماره بازیابی: ۱۴۸۹۷.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با نصرالله لک، شماره بازیابی: ۱۴۶۷۷ و ۱۴۶۷۶.
- ۳- مصاحبه
- ترابی، یوسف. مصاحبه درخصوص سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳
- ۴- منابع انگلیسی

- Weber, Max (1947), *The Theory of Social and Economic Organization*, trans. A. M. Henderson and T. Parsons, New York, Oxford University Press; New York, Free Press (pkb), 1964, First published in German in 1922.